

وقت پوریا کچل شد ۴

عملیات آدامسی!

۲۹۶

کوله یشتی

ضمیمه روزنامه شهرآرا ویژه کودکان مشهد

چهارشنبه ۴ شهریور ۱۴۰۵



استعدادات را بشناس

با نام و یاد خدای بزرگ و مهربان، سلام به دوستان خوب کوله پشתי. امیدواریم که در کنار خانواده‌ی عزیزتان خوش و سلامت باشید. از قدیم ندیم‌ها گفته‌اند و شنیده‌ایم که «هرکسی را بهرکاری ساختند.»

آیا تا به حال به معنای درست و دقیق این جمله‌ی ارزشمند فکر کرده‌اید؟ ممکن است بگویید بله، یعنی هرکسی باید یک کاری را انجام دهد. آخرین تا اینجا را درست حدس زده‌اید، اما بچه‌های عزیز معنای دقیق این جمله این است که هر آدمی، باید متناسب با استعدادی که دارد کار انجام دهد و اگر استعداد و مهارت کار و هنری را ندارد، بهتر است در کار و مهارت مورد علاقه‌اش تلاش و تمرین بیشتری کند یا کار دیگری را انتخاب کند که بتواند از پس آن به خوبی بر بیاید و موفق شود. حالا که معنای درست این مَثَل* یا ضرب‌المثل را یاد گرفته‌اید، خوب فکر کنید شما در انجام کارهای متناسب با سنتان چه استعداد و توانایی‌هایی دارید؟

*مثل یا ضرب‌المثل: نکات و پندهای مهم و ارزشمند



طیبه ثابت

فهرست

- ۱/ پنجه عقاب
- ۲/ گرما
- ۳/ ماهی‌های زیبا
- ۴/ عملیات آدامسی
- ۵/ لیموناد خیار و نعنا
- ۶/ خواندن‌های آموزنده
- ۷/ سیستان دیدنی
- ۸/ بین تفریح و پیشرفت تعادل برقرار کنیم
- ۹/ یک انسان کامل
- ۱۰/ گشتی
- ۱۱/ خواهر مهربان

- صاحب‌امتیاز:
- شهرداری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید میشم موسوی مهر
- سر دبیر:
- سید سجّاد طلوع هاشمی
- دبیر ضمائم:
- ارژنگ حائمی
- دبیر کوله پشתי:
- طیبه سادات ثابت
- مدیر هنری:
- سید هاشم دقیق
- گرافیک و صفحه‌آرایی:
- ملک جمعی
- ویراستار:
- طیبه غلام‌رضایی

- پست الکترونیک:
- sabet@shahrara.com
- نشانی سایت:
- shahraranews.ir/fa/kids
- پیام‌رسان روزنامه: ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
- نشانی: خیابان کوهسنگی
- ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
- داخلی مستقیم کوله پشתי: ۲۷۸
- توزیع و امور مشترکین: ۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
- داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



پنجه‌ی عقاب

سلام ورزشکاران عزیز. امیدوارم شاد و تندرست باشید. این جلسه می‌خواهیم با هم یک حرکت برای تقویت مچ و انگشتان دست انجام دهیم.

ابتدا ثابت بایستید یا بنشینید. به یک توپ کوچک نرم نیاز داریم. توپی را در دست بگیرید و دست را کشیده روبه روی صورت خود نگه دارید. دقت کنید که توپ دقیقاً در مرکز کف دست باشد و انگشتان دورتادور توپ باشند و مچ دست کاملاً در راستای ساعد قرار گیرد. با هر شماره توپ را به آرامی فشار دهید و ۲ ثانیه در حالت فشار نگه دارید و آزاد کنید. این حرکت را برای هر دست ۲۰ تا ۳۰ تایی تکرار کنید.



گرما

کوچه خیلی خلوت است
دردل این ظهر داغ
آسمانش خالی است
بی صدا و بی کلاغ

طفلکی آقا چنار
شاخه هایش خم شده
یک کمی از قداو
زیر گرما کم شده

گر گرفته واقعاً
هم زمین هم آسمان
چون رسیده باز هم
موقع خرما پزان





ماهی‌های زیبا

تابستان بهترین زمان برای درست کردن کاردستی زیبا با خرده ریزه‌های توی خانه مثل لوله‌های مقوایی است. اگر دوست دارید اتاقتان را با یک آویز ماهی دایره‌ای، زیبا کنید، دست به کار شوید.

ابتدا روی مقوای رنگی ۲۰ دایره‌ی یک اندازه بکشید و دور این دایره‌ها را قیچی کنید. سپس دایره‌ها را از وسط تا کنید. رنگ بندی دایره‌ها را می‌توانید رنگین‌کمانی انتخاب کنید. سپس دو مقوای رنگی مستطیل شکل به اندازه‌ی دور لوله‌ی مقوایی قیچی کنید. دقت کنید که روی یکی از مقواها نیم دایره‌هایی با رعایت رنگ‌های رنگین‌کمانی کنار هم بچسبانید. حالا مقوایی دیگر را تا یک سانتی متر لبه‌ی آن شیارشمار باریک نیم سانتی متری قیچی کنید و آن را به عنوان دم ماهی به پایین دایره بچسبانید. حالا دو نیم دایره کوچک را به عنوان دهان ماهی به طرف دیگر دایره چسب بزنید. برای باله‌ها هم همین کار را تکرار کنید. آفرین! حالا آویز زیبای رنگین‌کمانی شما آماده است.



چی لازم داریم؟

چسب مایع

خرده مقوای رنگی

قیچی

مداد



وقت پوریا کچل شد

عملیات آدامسی!

داستان



راوی: پوریا



و شامپو جدا بشه.»

با امید زیادی رفتم دست شویی. موهایم را خیس کردم و کلی شامپو روی سرم ریختم. کف سفید همه جا را گرفت و من با خوشحالی موهایم را چنگ زدم، اما وقتی سرم را آب کشیدم و به آینه نگاه کردم، دیدم آدامس هنوز سر جایش بود. تازه با کف شامپو قاتی شده بود و موهایم را به چند تکه‌ی چسبناک و عجیب تبدیل کرده بود.

از دست شویی بیرون آمدم. ماما تا من را دید، با تعجب گفت: «پوریا! این دیگه چه وضعیه؟! بابا هم چند لحظه به موهایم نگاه کرد و خندید و بعد گفت: «بچه جون، آدامس رو باید دهنِت بجوه، نه موها!» با کلافگی به موهای چسبناکم دست کشیدم و گفتم: «بابا، من دیگه خسته شدم. این آدامسه چرا ولم نمی‌کنه؟» بابا لبخند مهربانی زد و گفت: «عیبی نداره. الان برات درستش می‌کنم.» و رفت و ماشین اصلاح را آورد. آدامس آن قدر محکم به موهایم چسبیده بود که چاره‌ای جز کوتاه کردن موهایم نمانده بود.

صدای ماشین اصلاح در سرم پیچید و چند لحظه بعد، موهای کوتاه شده‌ام روی زمین ریخت. جلوی آینه ایستادم. سرم خیلی متفاوت شده بود. در واقع، سرم خیلی کچل شده بود!

پروانه گفت: «خب... حداقل دیگه موهاش لونه‌ی آدامسا نیست.» دستم را روی سرم کشیدم و گفتم: «آره. از امروز دیگه هیچ آدامسی حق نداره شب توی موهای من بخوابه. قبل از اینکه بخوام می‌ندازمش دور. جای خواب آدامس توی سطل آشغال!» پیمان خندید و گفت: «بالاخره به تصمیم عاقلانه گرفتی!»

صبح بیدار شدم و هنوز درست و حسابی چشم‌هایم را باز نکرده بودم که احساس کردم موهایم به بالش گیر کرده‌اند. دست بردم روی سرم و چیزی نرم و چسبناک را زیر انگشت‌هایم حس کردم. جلوی آینه رفتم و به موهایم نگاه کردم. از آن چیزی که دیدم از تعجب شاخ درآوردم! یک تکه آدامس وسط موهایم چسبیده بود. همان آدامسی که شب قبل موقع خواب گوشه‌ی لیم بود و ظاهراً تا صبح برای خودش جای تازه‌ای پیدا کرده بود.

با وحشت گفتم: «ای وای! نه!» سعی کردم با دست جداش کنم، اما آدامس کش آمد و چند تار مو را با خودش کشید. دوباره امتحان کردم و این بار آدامس بیشتر پخش شد. «ای بابا... تو چرا داری بزرگ‌تر می‌شی؟» هرچه دست می‌کشیدم، اوضاع بدتر می‌شد. حالا دیگر آدامس از یک تکه‌ی کوچک تبدیل شده بود به یک غول‌صورتی که انگار تصمیم گرفته بود تمام موهایم را صاحب شود.

پروانه وارد اتاق شد. تا مرا دید، چند لحظه ساکت ماند و بعد زد زیر خنده. با غصه گفتم: «نخند دیگه! بیا کمک کن!» پروانه خنده‌اش را جمع کرد و گفت: «باشه، باشه! الان برات قیچی میارم؟» چند لحظه بعد با قیچی برگشت و مشغول بررسی آدامس شد. همان موقع پیمان وارد اتاق شد. با دیدن سرم چشم‌هایش گرد شد و گفت: «پوریا! چرا این شکلی شدی؟ انگار مرد عنکبوتی توی موهاش خونه درست کرده؟» پروانه جواب داد: «آدامس رفته توی موهاش! همون آدامسی که دیشب داشت می‌جوید.» پیمان کمی فکر کرد و گفت: «بهتره موهاشو بشوری. شاید با آب



ناظمه سرخساری





آشپزی



لیموناد خیار و نعنا

هوا خیلی گرم بود. پیمان تازه از کلاس فوتبال آمده بود. مادر داشت برایش یک نوشیدنی خنک درست می کرد. مادر چند تا خیار کوچک را پوست گرفت. بعد دو لیموی تازه را هم آب گرفت. بعد خیارها، آب لیمو، مقداری نعناي تازه، آب و شکر را داخل مخلوط کن ریخت. وقتی مواد خوب باهم قاتی شدند، آن ها را داخل لیوان ریخت و کمی یخ و چند حلقه خیار هم اضافه کرد. پیمان که حسابی گرمش شده بود این نوشیدنی خنک را خورد و حسابی حالش جا آمد. پروانه و پوریا هم از این شربت خوردند و از مادر تشکر کردند.

بچه های عزیز در تابستان می توانید این نوشیدنی ساده را درست و از بدنتان در برابر گرما مراقبت کنید.

چی لازم داریم؟

خیار کوچک: دو عدد

لیموی تازه: به اندازه دلخواه

نعنا: چند برگ

آب: به میزان لازم

شکر: به میزان دل خواه





۴ شهریور ۱۴۰۵
شماره ۲۹۶

خواندنی‌های آموزنده

معرفی کتاب



هلیله وطنی

همه‌ی ما تشویق شدن را دوست داریم و از اینکه مورد قبول اطرافیانمان قرار گیریم، خوشحال می‌شویم، اما باید بدانیم که تشویق دیگران برای یک کار ما نباید باعث شود تا کارها و وظایف دیگر روزانه‌ی خود را فراموش کنیم. اگر علاقه‌مندید کتاب‌هایی بخوانید تا به شما مهارت‌هایی مثل اعتماد به نفس و صبر را در زندگی آموزش بدهد کتاب‌های زیر را به شما معرفی می‌کنیم.

داستان درباره‌ی کرمی است که از شنیدن آفرین و صد آفرین دیگران هیجان زده می‌شود و کم‌کم تمام کارهایش را برای تأیید و تشویق دیگران انجام می‌دهد تا جایی که از انجام وظیفه‌ی اصلی خودش یعنی آماده کردن خاک برای رشد گیاهان باز می‌ماند. بالاخره روزی می‌رسد که با حرف‌های کرم شب‌تاب به خودش می‌آید. برای دانستن حرف‌های کرم شب‌تاب و بقیه‌ی ماجرا، خودتان کتاب را باید بخوانید.



کرم سه نقطه

سروناز پریش

ناشر: کانون پرورش فکری

کودکان و نوجوانان ۱۴۰۲



راز دانه‌ی کوچولو

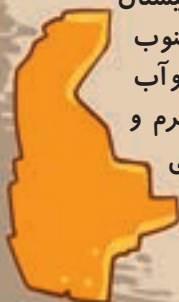
راضیه خادم الحسینی

ناشر: دفتر نشر فرهنگ

اسلامی ۱۴۰۳

کتاب درباره‌ی یک دانه‌ی گندم است که آرزوی بزرگی دارد. او می‌خواهد تبدیل به خوشه‌ی بزرگی شود، اما به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد. بله، رسیدن به آرزو که به همین آسانی‌ها نیست. دانه‌ی گندم با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود که مورچه در آن مشکلات به او کمک می‌کند. خب بچه‌ها به نظر شما مورچه چطور دانه را به آرزویش می‌رساند؟ بله الان وقت خواندن بقیه‌ی ماجرا از روی خود کتاب است.

بابا بزرگ برای بچه ها گفت که سیستان بخش شمالی استان سیستان و بلوچستان است. به بخش جنوبی آن بلوچستان می گویند. سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران است و آب و هوای خیلی گرم و بادهای پرسرعتی دارد.



مرخان زارغ

ایران را بهتر بشناسیم

سیستان دیدنی

ایران کشور زیبا و چهار فصلی است یعنی در یک زمان هم می توانی به جای خنک و سرد مثل کوه های سبلان بروی و هم به یک جای گرم و خشک مثل سیستان. بابا بزرگ می خواست به سفر سیستان برود. پروانه پرسید: سیستان کجاست، یک جایی در شمال و کنار دریا؟ بابا بزرگ گفت: نه، خیلی با کنار دریا فرق دارد. بنشین تا از سیستان برایت بگویم. اگر شما هم دوست دارید سیستان را بشناسید، با آن ها همراه شوید.

غذاهای
محلی

V

بابا بزرگ از خوراکی های خوش مزه ی سیستان هم گفت. از خرما و کشک زرد محلی و غذاهای خیلی خیلی تند و پراز ادویه. دهان پیمان و پروانه حسابی آب افتاد.



صنایع
دستی

۶



پیمان دلش می خواست بداند سوغاتی هایی دارد. بابا بزرگ از حصیر برگ درخت خرما بافته می شود و هنرهای زنان سیستانی روی لباس ها و پارچه ها

پروانه گفت: سیستان دریا ندارد اما خیلی دیدنی است. دلم می خواهد آنجا را ببینم. بابا بزرگ فکری کرد و گفت: اصلاً چطور است دسته جمعی برویم سیستان؟ بعد هم همراه بچه ها راه افتاد تا بابا و مامان و مامان بزرگ درباره ی یک سفر خانوادگی به سیستان صحبت کند.





خاک مردان شجاع

۳

بابابزرگ برای بچه‌ها از مردم
شجاع سیستان گفت و اینکه سام
وزال ورستم شاهنامه که فردوسی
آن‌ها نوشته است، اهل همین منطقه
بوده‌اند و خیلی از ماجراهای
زندگی رستم در سیستان
و شهر زابل اتفاق
افتاده است.



۲

بابابزرگ می‌دانست سیستان حتی
ر دوران باستان هم وجود داشته و اسمش
سکاها که در این منطقه زندگی
ه‌اند، گرفته شده است. به
ن سرزمین نیمروز یا
ن هم می‌گفتند.



۴

شهر سوخته

در سیستان شهری به
اسم «شهر سوخته» وجود داشته که
باستان‌شناسان کشف کرده‌اند. اسمش را «شهر
سوخته» گذاشته‌اند چون وقتی آنجا را کشف کردند،
خاکستر زیادی پیدا کردند که مربوط به صنایع و
کوره‌های بزرگ آن شهر بوده است نه آتش سوزی.



تصویرگزین: زهره افشاری

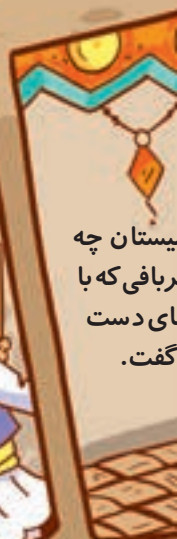
نواهای زیبا

۵

موسیقی محلی سیستان هم برای
بابابزرگ خیلی جالب بود. او برای بچه‌ها
از موسیقی و بازی محلی مردان با چوب گفت
که در مراسم‌ها انجام
می‌شود و به چوبازی
معروف است.



سیستان چه
بربافی که با
ای دست
گفت.





اسماجان همین ابتدا از

موفقیت‌هایت برایمان بگو.

یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های من کسب رتبه‌های کشوری در آزمون تیمی «متر» بود. از سال ۱۴۰۲ در این مسابقات شرکت کردم و در پایه‌ی چهارم رتبه‌ی دوم، پایه‌ی پنجم رتبه‌ی سوم و در پایه‌ی ششم رتبه‌ی اول کشور را به دست آوردم. کسب هر رتبه برایم احساس بسیار خوبی داشت و سبب شد انگیزه‌ی بیشتری برای تلاش و پیشرفت پیدا کنم. این موفقیت‌ها به من یاد داد که برای رسیدن به هدف، فقط استعداد کافی نیست و تمرین، پشتکار، همکاری با اعضای تیم و حفظ تمرکز اهمیت زیادی دارد.

چرا تصمیم گرفتی در مسابقه‌ی «متر»

شرکت کنی؟

به دلیل علاقه‌ای که به ریاضی داشتم، شرکت در یک مسابقه‌ی ریاضی برایم جذاب بود. ابتدا می‌خواستم توانایی خود را محک بزنم و ببینم در مقایسه با دانش‌آموزان دیگر در چه سطحی قرار دارم. پس از کسب موفقیت در سال اول، انگیزه‌ام بیشتر شد و تصمیم گرفتم این مسیر را ادامه بدهم.

مصاحبه



توصیه‌ی یک ریاضی‌دان کوچک:

بین تفریح و پیشرفت تعادل برقرار کنیم

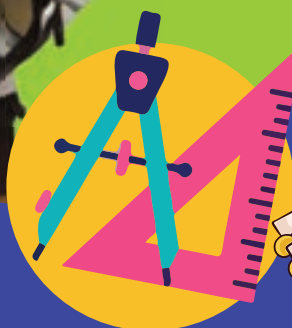


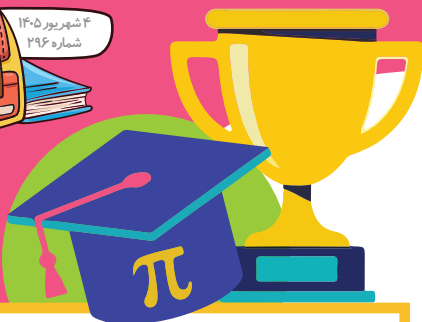
بچه‌های خوب! همین درس شیرین ریاضی در حقیقت پایه و اساس همه‌ی بخش‌های جهانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم.

اسما نورمحمدی که دوره‌ی ابتدایی را در دبستان مفتاح گذرانده و اکنون در آزمون تیزهوشان برای ورود به مقطع و پایه بالاتر پذیرفته شده، یکی از همان علاقه‌مندان موفق در درس ریاضی است که حل مسائل آن برایش خیلی جذاب است. گفت وگویی ما را در ادامه دنبال کنید.



شبنم کریمی





چه توقعی از مسئولان برای رسیدن به

موفقیت‌های بیشتر داری؟

انتظار دارم از دانش‌آموزان مستعد بیشتر حمایت کنند تا امکانات آموزشی، علمی و پژوهشی مناسب‌تری در اختیار آن‌ها قرار بگیرد. برگزاری مسابقات علمی با کیفیت و فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای یادگیری و تجربه می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند استعداد هایشان را بهتر نشان دهند.

در فصل تابستان اوقات فراغت را چگونه

پرمی‌کنی؟

سعی می‌کنم بین تفریح و پیشرفت تعادل برقرار کنم. به کتاب خوانی، ورزش و نقاشی علاقه دارم و در کنار آن‌ها برای تقویت درس‌ها و به خصوص ریاضی تمرین می‌کنم. دوست دارم در تابستان هم مطالب جدید یاد بگیرم و برای سال تحصیلی بعد آماده‌تر باشم.

اسما، فکر می‌کنی کشور ما چگونه می‌تواند در

علم و فناوری پیشرفت کند؟

باید به دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند فرصت بیشتری برای یادگیری، پژوهش و تجربه داده شود و امکانات علمی مناسب در اختیار آن‌ها قرار بگیرد. همچنین حمایت از ایده‌های جدید و تشویق جوانان به تحقیق و نوآوری اهمیت زیادی دارد.

چرا ریاضی را به عنوان فعالیت علمی‌ات انتخاب کردی؟

زیرا حل مسائل آن برایم جذاب است و سبب می‌شود فکر کنم و برای یک مسئله راه حل پیدا کنم. به نظرم ریاضی فقط محاسبه نیست، بلکه نوعی روش فکر کردن و پیدا کردن راه حل است. به عقیده‌ی من بسیاری از اختراعات و کشفیات از یک سؤال، کنجکاوی یا یک مشکل ساده شروع می‌شوند. وقتی انسان سعی می‌کند پاسخ یک سؤال را پیدا کند، ممکن است به ایده‌ی جدیدی برسد.

در آینده هم دوست دارم با ادامه تحصیل و کسب دانش، پیشرفت کنم. اگر بتوانم در رشته‌ی پزشکی فعالیت کنم از دانش و توانایی خودم برای کمک به مردم و پیشرفت کشورم استفاده می‌کنم.

به هم سالانم نیز توصیه می‌کنم خودشان را با دیگران مقایسه نکنند و استعدادشان را پیدا کنند. اگر به کاری علاقه دارند، آن را با پشتکار دنبال کنند و از شکست یا اشتباه نترسند. موفقیت معمولاً یک باره به دست نمی‌آید و استمرار و تلاش، اهمیت زیادی دارد.

چرا بعضی بچه‌ها تصور می‌کنند ریاضی درس سختی است؟

فکر می‌کنم یکی از دلایلش این است که بعضی دانش‌آموزان از ابتدا با ریاضی ارتباط خوبی برقرار نکرده‌اند یا فقط به حفظ کردن روش‌ها اکتفا کرده‌اند. برای یادگیری ریاضی باید مفاهیم را فهمید، تمرین کرد و از اشتباه کردن نترسید. حل مسئله‌های مختلف و داشتن پشتکار می‌تواند سبب شود ریاضی کم‌کم جذاب‌تر و آسان‌تر شود.

راهنمایان تو در رسیدن به این موفقیت‌ها چه کسانی

بوده‌اند؟

معلمان ریاضی‌ام، خانم‌ها آرامجو و اباذری، نقش مهمی در پیشرفتم داشته‌اند که قدر دانشان هستم. در کنار این عزیزان، حمایت خانواده و تلاش، پشتکار، علاقه و هدفمندی خودم هم در موفقیت‌هایم مؤثر بوده است.





۱۷ ربیع الاول، روز تولد پیامبر عزیز اسلام، حضرت محمد (ص) است. ایشان آخرین پیامبر خداوند و کامل کننده دین خداست. قرآن، پیامبر (ص) را با لقب «رحمت برای جهانیان» معرفی کرده است؛ زیرا ایشان فقط با سخنانشان به مردم درس نمی دادند، بلکه با رفتار و اخلاق زیبای خود بهترین الگو برای انسان ها بودند. حتماً دوست دارید با اخلاق و رفتارهای پیامبر (ص) بیشتر آشنا شوید. پس بیایید با هم بخوانیم:

پیامبر (ص) را بشناسیم

یک انسان کامل

پیامبر (ص) همیشه با افراد خانواده مهربان و خوش رفتار بود. ایشان به مایاد دادند که خانه باید جایی پر از محبت و همکاری باشد.



پیامبر (ص) وارد مسجد می شدند، با بخت به مردم سلام می کردند. با دقت به حرف های دیگران گوش می دادند. مردم در کنار پیامبر (ص) احساس آرامش و امنیت می کردند.



پیامبر (ص) در سفرها به دیگران کمک می کردند. با ایشان هیچ کس احساس خستگی یا تنهایی نمی کرد.



پیامبر (ص) برای خرید و فروش به بازار می رفتند، همیشه راستگو و درست کار بودند. ایشان هیچ گاه حق دیگران را پایمال نمی کردند و با صداقت رفتار می کردند.





پیامبر (ص) کودکان را
می دیدند، به آن ها سلام
می کردند. گاهی هم با
آن ها بازی می کردند.
کودکان از اینکه در کنار
پیامبر (ص) بودند،
خوشحال می شدند.



رفتار پیامبر (ص) با
حیوانات مهربان بود و
سفارش می کردند که
کسی به آن ها آسیب
نرساند. ایشان به
مردم یاد می دادند که
از نعمت های خداوند
در طبیعت به خوبی
مراقبت کنند.



اگر کسی فقیر بود یا به چیزی نیاز داشت، تاجایی که می توانستند به
او کمک می کردند. پیامبر (ص) به ما یاد دادند که بهترین انسان ها
کسانی هستند که به دیگران کمک می کنند.



پیامبر (ص) به همسایه های خود احترام
می گذاشتند و اگر آن ها به کمک نیاز داشتند،
یاری شان می کردند. پیامبر (ص) به ما یاد دادند
که اگر با دیگران مهربان و خوش رفتار باشیم،
خداوند از ما خوشحال می شود.

ورزش محبوب ایرانی‌ها

کشتی

بچه‌های عزیز، کشتی یکی از رشته‌های ورزشی مورد علاقه‌ی ایرانی‌هاست. اگر دقت کرده باشید در تقویم، روزی به نام روز کشتی داریم. این نشان می‌دهد که کشتی چقدر برای ایرانیان از گذشته‌های دور تا امروز اهمیت داشته است. فکر می‌کنید دلیل این همه محبوبیت کشتی در نزد ایرانیان چه باشد؟

مرجان زارع



کشتی ورزش قدیمی و باستانی ایران است. از همان گذشته‌های دور قهرمانان و پهلوانان ایران موقع نبرد، با دشمنان کشتی می‌گرفتند و بعضی وقت‌ها نتیجه‌ی همین کشتی سرنوشت جنگ را مشخص می‌کرد. رستم؛ قهرمان شاهنامه، همیشه با دشمنانش کشتی می‌گرفت.

۱

کلمه‌ی کشتی از اسم کمربندی گرفته شده که ایرانیان قدیم موقع غروب به کمرشان می‌بستند و مشغول دعا می‌شدند. این کمربند را سه دور دور کمرشان می‌بستند که به معنی یادآوری سه اصل فکر خوب، کار خوب و حرف خوب بود.

۲

۳

در گذشته برای انتخاب پهلوان شهر، پهلوان‌ها با هم کشتی می‌گرفتند و برنده به عنوان پهلوان اول شهر انتخاب می‌شد و بازوبند پهلوانی را به او هدیه می‌دادند. این مقام خیلی مهم بود و همه به پهلوان اول شهر احترام می‌گذاشتند.





شماره ۲۹۶
شهریور ۱۴۰۵

کشتی انواع مختلفی
دارد، مثل کشتی پهلوانی
یا زورخانه‌ای

۵

کشتی باچوخه که
مخصوص مردم خراسان است،
کشتی گیله مردی که مخصوص
مردم گیلان و مازندران
است و... هر کدام از
انواع کشتی‌ها قوانین
خاص خودشان
را دارند که
کشتی‌گیران موقع
کشتی گرفتن باید
رعایت کنند.



۴

آن قدیم‌ها کشتی در جایی به نام
زورخانه انجام می‌شد. کشتی‌گیران
در زورخانه هم کشتی و هم اخلاق پهلوانی
یاد می‌گرفتند چون اعتقاد داشتند یک
ورزشکار علاوه بر زور بازو باید اخلاق خوب
هم داشته باشد. الان باشگاه‌ها و سالن‌های
ورزشی زیادی برای کشتی ایجاد شده است.



جهان پهلوان تختی
هم از کشتی‌گیران بزرگ
ایران است.

۷

از کشتی‌گیران معروف
ایران، می‌توان به پوریولی
اشاره کرد که در زمان‌های
خیلی قدیم زندگی می‌کرد.



کشتی آزاد و فرنگی جزو ورزش‌های پرتیر دارد در
مسابقات المپیک و جام جهانی است. تیم‌های کشتی
آزاد و فرنگی ایران بارها توانسته‌اند در این مسابقات
مدال بیاورند چون
ایرانی‌ها کشتی‌گیران
خوبی هستند.

۶



ایران الان هم کشتی‌گیران بزرگ زیادی مثل حسن یزدانی،
رحمان عموzاد و امیرحسین زارع دارد که برای ایران در
مسابقات مدال به دست می‌آورند.



خواهر مهربان

آموختن مهارت های مختلف، زمان و شرایط مخصوصی می خواهد. همه ی ما می دانیم که همه چیز رانمی شود در یک زمان محدود یاد گرفت. پس بهتر است به مرور و آرام آرام از موقعیت ها و زمان های آزاد برای آموختن تجربیات و مهارت ها استفاده کرد. تابستان بهترین فرصت برای یاد گرفتن مهارت های تازه و تمرین این مهارت هاست.



طیبه نایت



اسم این دختر خوب، مهربان و زرنگ اکرم مداح است. اکرم دانش آموز کلاس پنجم مدرسه ی آیت... طالقانی است.



درست است که ایام تعطیلات تابستانی است و تا دلتان بخواهد وقت آزاد برای انجام بازی و تفریح دارید، اما بعضی از بچه های اهل کتاب و درس مثل اکرم درس های گذشته را گاهی مرور می کنند تا آن ها را فراموش نکنند. اکرم حدود چهار سال است که عضو فعال کتابخانه است و به مطالعه ی کتاب های علمی و داستانی علاقه دارد.



یکی از علاقه مندی های این دختر هنرمند ،
درست کردن زیورآلات تزئینی با استفاده از مهره و مروارید
است. اکرم کلی از این دستبند و گردبند و گوشواره ها درست
کرده است و می خواهد از ساخته های دست خودش به
خواهرش هدیه دهد.



خانواده بزرگ ترین سرمایه و داشته ی هر انسانی است. اکرم
خانواده اش را دوست دارد. برای همین در تابستان که درس
و تکلیف مدرسه تعطیل است، سعی می کند بیشتر به مادرش
کمک کند. او در تابستان توانسته است بعضی از هنرهای
آشپزی ساده را از مادر و خواهرش یاد بگیرد و در آشپزی
به آنها کمک کند.



اهمیت دادن به بهداشت مخصوصا بهداشت
دهان و دندان از ویژگی های خوب شخصیتی هر
فردی می تواند باشد. اکرم دوست دارد در آینده
دندان پزشک شود.



اکرم یک خواهر بزرگ تر از خودش به نام ساجده
و یک برادر کوچکتر به نام مهدیار دارد که خیلی
دوستشان دارد. وقتی مامان و بزرگ ترها کار دارند، او
از برادرش به خوبی مراقبت می کند چون مهارت هایی
را در این باره از مادر و خواهرش یاد گرفته است.

باتشکر از مامان اکرم





تصویرگر:
زهره افطاسی